

سیاستنامه نویسی، تفسیراندیشه سیاسی

ایران شهری در دوره اسلامی

سیاستنامه نویسی-3

سیاستنامه نویسی نوعی تفسیراندیشه سیاسی ایران شهری بود که در نهایت اندیشه سیاسی ایران شهری را از جنبه آرمانی آن جدا و به نظریه مطلقه موجود در دوره اسلامی تبدیل کرد. در دوره باستان، بویژه در دوره ساسانیان، تاریخ نگاری از اهمیت خاصی برخوردار می بوده و انتقال «خدای نامه» ها به دوره اسلامی و بازپرداخت آن ها نیز موجب شد تا سنت نوآیینی در تاریخ نویسی در دوره اسلامی «Xvatai namaq» در دوره اسلامی ایران ایجاد شود. تاریخ شاهان یا «خوتای نامگ» «خدای نامه» خوانده شد و «شاهنامه» معادل فارسی و اصطلاح «سیرالملوک» نیز ترجمه عربی آن بوده است.

بازپرداخت خدای نامه ها در دوره اسلامی سرشار از اندیشه باستانی درباره شیوه فرمانروایی و سرشت قدرت سیاسی است. همین امر موجب شده است تا بسیاری از نوشته ها بی که بر پایه ی خدای نامه ها پرداخت شده اند، سرشار از اندیشه سیاسی باشند. در واقع سنت خدای نامه نویسی در ایران، سنتی تاریخی - سیاسی بوده است و تداوم آن در دوره اسلامی نیز به تبع سمرشق خود، به صورت دوشاخه ی تاریخی نگاری و سیاستنامه نویسی بسط پیدا کرد. از سویی، در آغاز، نوعی تاریخ نگاری تاریخی - اسطوره ای از دوره باستان ایران زمین تدوین و به تدریج تاریخ دوره اسلامی نیز به آن افزوده شد. از سوی دیگر، سیاستنامه نویسی در اندیشه سیاسی در ایران از خدای نامه ها سرچشمه گرفت که که نیرومند ترین، کهن ترین و موثرترین جریان تاریخ اندیشه سیاسی در ایران بود.

خواجه نظام الملک، با تحریر ارجمند ترین سیاستنامه دوره اسلامی گامی بلند و اساسی برای تجدید اندیشه سیاسی ایران شهری برداشت و همو در عمل نیز با سود جستن از این بازپرداخت نظریه ایران شهری توانست ایران زمین را تا مرزهای شاهنشاهی ساسانیان گسترش دهد. .

«دهقانان» که در نخستین سده های دوره اسلامی ایران نقشی پراهمیت در سازماندهی ایران زمین بازی کردند، بازمانده خاندان هایی از زمین داران و اعیان متوسط دوره ساسانی بودند و به دنبال چیرگی دستگاه خلیفگان بر ایران زمین همه توان و نیروی خود را به کار بردند تا با برپایی رستاخیز فرهنگی و سازماندهی پایداری ملی، شکست نظامی ایرانیان از تازیان را جبران کنند. این سازماندهی پایداری ملی و برپایی رستاخیز فرهنگی، بویژه، در فاصله فرمانروایی خاندان هایی از ایرانیان به دنبال «دوقرن سکوت» حاکمیت دستگاه خلیفگان بر ایران زمین تا چیرگی غلامان ترک تبار به اوج خود رسید و عمده میراث فرهنگ و فرزاندگی ایران باستان به دوره اسلامی انتقال یافت تا از گزند روزگار ایمن بماند.

در این سده ها که به درستی، «میان پرده ایرانی» خوانده شده است، خلا فرهنگی ایجاد شده به دنبال «دوقرن سکوت» تا جایی جبران شد که ناظران تاریخ ایران آن سده ها را «عصر زرین فرهنگ ایران» نامیده اند.

شاید در میان این دهقانان، هیچ چهره ای درخشان تر از سیمای شکوهمند ابوالقاسم فردوسی، حکیم

وسراینده «خردنامه» ایرانشهری نبوده باشد که با شاهنامه ی خود تاریخ حماسی ایران زمین را با سود جستن از همه دفترهایی که از (ایران) باستان مانده بود، هم چون کاخی بلند و گزند ناپذیر برافکند و به دین سان، بخش بزرگی از آن میراث را از ورطه نابودی رها ساخت.

. چنان که از نوشته های باقی مانده از دوره باستانی ایران زمین برمی آید، اندیشه سیاسی یکی از ارجمند ترین کوشش های فرهنگی ایرانیان بوده است. این نوشته های درباره اندیشه سیاسی ایرانشهری را که خوانده می شدند، بویژه از مجرای برخی رساله هایی که به *even namaq* در زبان پهلوی «آیین نامگ» یا زبان پهلوی یا ترجمه فارسی یا عربی آن ها به دست ما رسیده، می شناسیم. همین ترجمه و یا گزارش هایی از آن نوشته ها نقشی عمده در تکوین و تدوین سیاستنامه نویسی دوره اسلامی داشته است..

سیاستنامه ها، ادامه آیین نامه ها و اندرنامه ها ی دوره باستانی است. در کتاب هایی مانند الفهرست ابن ندیم به ترجمه عربی برخی از این آیین نامه ها با عنوان «کتاب السیر» اشاره شده و بویژه در ذیل نام ابن مقفع آمده است که او «کتاب خداینامه فی السیر» و «کتاب آیین نامه فی الآیین» و ابان لاحقی «کتاب سیره ا ردشیر» و «کتاب سیره انوشیروان» را از فارسی به عربی برگردانده اند. این نوشته ها چنان که از منابع کهن برمی آید، در آغاز دوره اسلامی به عربی ترجمه شده و مورد استفاده کارگزاران دستگاه دولتی قرار گرفته و آن گاه با استوار شدن شالوده دولت های جدید در ایران زمین و پدیدار شدن ادب درباری نوآیین، در تدوین نوشته های سیاسی جدید از آن ها بهره برده شده است.

در نوشته های مانند «نصیحت الملوک» غزالی، این سنخ از نوشته های سیاسی «سیرالملوک» خوانده شده و به تصریح خود خواجه نظام الملک طوسی، کتابی که امروزه به «سیاستنامه» پر آوازه شده، در اصل «سیرالملوک» نامیده می شده است. در دوره باستانی و اسلامی ایران زمین، خواندن و تامل در کتاب های «سیرالملوک»، چنان که از عنوان آن برمی آید، در تمایز با «کارهای عامه» می بوده است، از کارهای ضروری شاهان و شاهزادگان به شمار می آمده است. به گزارش امام محمد غزالی، انوشیروان را عادت بر آن بوده است که سیاستنامه ها می خواند، هم چنان که عنصرالمعالی (عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر صاحب قابوس نامه، قرن پنجم هجری) به فرزند خود (گیلان شاه) بسیار خواندن سیرالملوک را سفارش کرده و می نویسد: «... و نیز باید بسیار سیرملوک خوانده باشی و بدانسته... تا پیش خداوند، خصلت های ستوده ملوک گذشته همی گوید تا اندر دل پادشاه کار کند...».

نوشته های مربوط به سیرت و تاریخ وزیران را می توان پس از کتاب های مربوط به «سیرالملوک» از پراهمیت ترین گرایش های سیاستنامه نویسی سنت اندیشه سیاسی ایرانشهری دانست. سنت وزارت در ایران باستان و جایگاه ارجمندی که وزیران بویژه در دوره شاهنشاهی ساسانیان داشته اند، از یک سو انتقال این سنت به نوشته های دوره اسلامی، سنت درازآهنگی در وزارت نامه نویسی در دوره اسلامی را به دنبال داشته است که در تاریخ اندیشه سیاسی ایران بایستی به عنوان یکی از سرچشمه های تداوم اندیشه ایرانشهری در دوره اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. به جرات می توان گفت که شمار وزارت نامه ها از شمار سیاستنامه ها کمتر نیست.

در دوره اسلامی، نوشتن کتاب های «سیرالملوک» یا «سیاستنامه» رایج ترین شیوه پرداختن به اندیشه سیاسی بود و بویژه از زمانی که شالوده زبان فارسی به عنوان زبان ادبی ایران زمین استوار شد، نویسندگانی از میان شهریاران، وزیران و دبیران، تدوین این نوع رساله ها و کتاب ها را آغاز کردند. به جرات می توان گفت که برخی از شاهکارهای نظم و نثر زبان فارسی، مانند شاهنامه فردوسی و سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی، در عین حال، شاهکار سیاستنامه نویسی نیز هستند. سیاستنامه خواجه در تحول اندیشه

سیاسی درایران ازچنان مقامی برخورداربوده است که به تقریب هیچ نوشته سیاسی متاخربران را نمی توان پیدا کرد که فقراتی ازسیاستنامه (خواجه) را به تضمین نیاورده باشد. ازنصیحت الملوک غزالی که نخستین سیاستنامه پراهمیتی است که دودهه پس ازسیاستنامه خواجه نوشته شده تا برخی ازرساله های دوره مشروطه خواهی، فقرات وداستان هایی ازآن کتاب به نقل آورده شده اند.

کلیله ودمنه درانتقال اندیشه سیاسی ایرانشهری نقش اساسی بازی کرده است. برزویه طبیب، آن را درزمان خسروانوشیروان، با تلفیق متن یا متن های دیگربه زبان پهلوی ترجمه کرده وابواب وحکایاتی نیز برآن افزوده است. همین متن را ابن مقفع درآغازدوره اسلامی به زبان عربی ترجمه کرد که پس از او رود کی درسده چهارم به نظم فارسی ونصرالله منشی دراواخرنیمه نخست سده ششم به نثریازنویسی کردند. تردیدی نیست که کلیله ودمنه را به گونه ای که اکنون با انشای نصرالله منشی به دست ما رسیده است، باید ازسیاستنامه های دوره اسلامی به شمارآورد. دیباچه نصرالله منشی برکتاب تردیدی باقی نمی گذارد که تحریر فارسی کلیله ودمنه نیزبه دورازوسوسه سیاستنامه نویسی نبوده است.

نخبگان بسیاری، هریک به نوبه خود، بخشی از میراث ملی را به دوره اسلامی انتقال دادند. فردوسی طوسی، درخشان ترین چهره وپراوازه ترین نام «میان پرده ایرانی» درمیان سرآمدان فرهنگ ایرانی دراین دوره بود، اما راد مردان بسیاردیگری راه را برای کوشش بی سابقه ی اوهموارواقدام او را امکان پذیرکردند. اما ازاین کوشش بی سابقه حکیم ابوالقاسم فردوسی که بگذریم، تا یورش مغولان درقلمرواندیشه سیاسی، «سیاستنامه» خواجه نظام الملک طوسی را می توان پراهمیت ترین نوشته این دوره درتداوم بخشیدن به اندیشه سیاسی ایرانشهری به شمارآورد. ادامه سخن جواد طباطبایی درباره چگونگی انتقال اندیشه سیاسی ایران باستان به دوره اسلامی، که درنهایت اختصاروصرفا به قصد معرفی بحث آمد، درجلسه بعد پی می گیریم. خواننده علاقه مند برای تفصیل بحث می تواند به دو کتاب نویسنده: «خواجه نظام الملک» و«تاریخ اندیشه سیاسی درایران» مراجعه نماید

قسمت اول

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2015/09/2015-08-01_a.mp3]

قسمت دوم

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2015/09/2015-08-01_b.mp3]